

علامہ شیخ عبدالحسین امینی

الفکر

جلد یک

ترجمہ

محمد تقی واحدی

ویرایش جدید

زیر نظر

دکتر علی رضا میروزامحمد

انتشارات بنیاد بعثت

تهران، ۱۳۸۵

امینی، عبدالحسین، ۱۲۸۱-۱۳۴۹.
الغدیر الکتاب و السنه و الادب، فارسی
الغدیر/ عبدالحسین امینی؛ ترجمه محمد تقی واحدی.
(ویراست ۲) زیر نظر علیرضا میرزامحمد.
تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر ۱۳۸۶-

ج. (دوره ۲)، 964-309-366-2 (ج. ۱)، 4-964-309-737 (ج. ۵)، 0-964-309-739 (ج. ۱۰)؛
ج. ۹، x-964-309-720 x-964-309-720

ج. ۹، چاپ اول: ۱۳۸۵

ج. ۵، چاپ اول: ۱۳۸۶

هر جلد کتاب مترجم خاص خود را دارد که مترجم جلد پنجم زین العابدین قربانی می باشد و
جلد دهم جلال الدین فارسی

ج. ۹، چاپ اول: ۱۳۸۵

ج. ۵، چاپ اول: ۱۳۸۶

هر جلد کتاب مترجم خاص خود را دارد که مترجم جلد پنجم زین العابدین قربانی می باشد و
جلد دهم جلال الدین فارسی

علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۱۰ قی - ثبات خلافت.
غدیر خم

فارسی، جلال الدین، ۱۳۲۳ - مترجم

میرزامحمد، علیرضا، ۱۳۲۵ - ویراستار

بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر

ی ۰۰۱۱۳۰۰ / الف / BP۲۳۳/۵۱

۲۹۷/۱۵۲

۲۰۸۳۲ - ۸۵



مرکز چاپ و نشر بنیاد بعثت

نام کتاب: الغدیر جلد اول

مؤلف: علامه فقید آیت الله شیخ عبدالحسین امینی

مترجم: محمد تقی واحدی

ویرایش جدید: دکتر علیرضا میرزامحمد

چاپ اول: ۱۳۸۶

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

چاپخانه: توحید قم

مرکز پخش: تهران - خیابان سمیه - پلاک ۱۰۹ بنیاد بعثت

تلفن ۸۸۸۲۲۳۷۴ ص. پ ۱۳۶۱ - ۱۵۸۱۵

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

ISBN:964-309-737-4

شابک جلد اول ۴ - ۷۳۷ - ۳۰۹ - ۹۶۴

ISBN:964-309-366-2(11 vol.set)

شابک دوره یازده جلدی ۲ - ۳۶۶ - ۳۰۹ - ۹۶۴

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار ویراستار
۱۱	ارمغان غدیر
۱۷	میراث جاودان
۲۰	طغرای ولایت
۲۲	آشنایی با شیوه کار
۲۶	ذکر چند نکته
۲۸	سپاسگزاری و قدردانی
۳۱	در ستایش الغدیر
۳۱	تقدیرنامه‌های اندیشمندان
۴۲	تقدیرنامه‌های سخنوران
۴۷	کتابشناسی ویرایش
۵۶	مقدمه مؤلف
۵۹	تاریخ صحیح
۶۵	اهمیت غدیر خم در تاریخ
۷۳	واقعه غدیر خم

۷۹	 عنایت به حدیث غدیر
۸۵	 راویان حدیث غدیر از صحابه
۱۵۷	 راویان حدیث غدیر از تابعین
۱۷۵	 طبقات راویان حدیث غدیر از علما
۱۷۵	 - قرن دوم
۱۸۸	 - قرن سوم
۲۱۵	 - قرن چهارم
۲۲۷	 - قرن پنجم
۲۳۶	 - قرن ششم
۲۴۴	 - قرن هفتم
۲۵۲	 - قرن هشتم
۲۵۹	 - قرن نهم
۲۶۶	 - قرن دهم
۲۷۲	 - قرن یازدهم
۲۷۷	 - قرن دوازدهم
۲۸۳	 - قرن سیزدهم
۲۸۷	 - قرن چهاردهم
۲۹۵	 نویسندگان آثار مکتوب در حدیث غدیر
۳۰۲	 تکمله
۳۰۵	 مناشده و احتجاج به حدیث غدیر
۳۰۶	 ۱- مناشده امیرالمؤمنین علیه السلام در روز شوری
۳۱۲	 ۲- مناشده امیرالمؤمنین علیه السلام در عهد عثمان بن عفان
۳۱۶	 ۳- مناشده امیرالمؤمنین علیه السلام در روز رجب
۳۴۰	 گواهان مشهور مناشده امیر مؤمنان به حدیث غدیر در روز رجب

۳۴۲	 نکته قابل توجه
۳۴۳	 ۴- مناشده امیرالمؤمنین علیه السلام با طلحه در روز جمل
۳۴۵	 ۵- حدیث رکبان در کوفه
۳۵۰	 گواهان بنام حدیث غدیر در روز رکبان طبق روایات پیشین
۳۵۰	 نفرین شدگانی که حدیث غدیر را پنهان داشتند
۳۵۱	 بررسی پیرامون حدیث گرفتار آمدن به نفرین
۳۵۵	 ۶- مناشده امیرالمؤمنین علیه السلام در روز صفین
۳۵۸	 ۷- احتجاج حضرت فاطمه صدیقه، دخت رسول خدا صلی الله علیه و آله
۳۵۹	 ۸- احتجاج امام حسن مجتبی علیه السلام
۳۶۰	 ۹- مناشده امام حسین علیه السلام به حدیث غدیر
۳۶۱	 ۱۰- احتجاج عبدالله بن جعفر بر معاویه بعد از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام
۳۶۴	 ۱۱- احتجاج برد بر عمرو عاص به حدیث غدیر
۳۶۴	 ۱۲- احتجاج عمرو عاص بر معاویه به حدیث غدیر
۳۶۵	 ۱۳- احتجاج عمار بن یاسر بر عمرو عاص در روز صفین
۳۶۶	 ۱۴- احتجاج اصبع بن نباته به حدیث غدیر در مجلس معاویه
۳۶۷	 ۱۵- مناشده جوانی با ابهریره به حدیث غدیر در مسجد کوفه
۳۶۸	 ۱۶- مناشده مردی با زید بن ارقم به حدیث غدیر
۳۶۹	 ۱۷- مناشده مردی عراقی با جابر انصاری به حدیث غدیر
۳۷۲	 ۱۸- احتجاج قیس بن سعد بر معاویه به حدیث غدیر
۳۷۳	 ۱۹- احتجاج دارمیه حجونی بر معاویه
۳۷۴	 ۲۰- احتجاج عمرو اودی بر دشمنان امیرالمؤمنین علیه السلام
۳۷۵	 ۲۱- احتجاج عمر بن عبدالعزیز، خلیفه اموی
۳۷۶	 ۲۲- احتجاج مأمون، خلیفه عباسی بر فقیهان به حدیث غدیر
۳۷۹	 سخن مسعودی

۳۸۱	غدیر در قرآن کریم
۴۰۲	سخن پایانی
۴۰۵	کمال دین به ولایت
۴۱۷	عذاب واقع
۴۲۷	تأملی در حدیث غدیر
۴۲۸	وجه اول از اشکالات ابن تیمیه
۴۲۹	جواب اشکال
۴۴۰	وجه دوم از اشکالات ابن تیمیه
۴۴۰	جواب اشکال
۴۴۴	وجه سوم از اشکالات ابن تیمیه
۴۴۴	جواب اشکال
۴۴۵	وجه چهارم از اشکالات ابن تیمیه
۴۴۵	جواب اشکال
۴۵۱	وجه پنجم از اشکالات ابن تیمیه
۴۵۲	جواب اشکال
۴۵۳	وجه ششم از اشکالات ابن تیمیه
۴۵۴	جواب اشکال
۴۵۵	وجه هفتم از اشکالات ابن تیمیه
۴۵۵	جواب اشکال
۴۵۹	عید غدیر در اسلام
۴۶۴	داستان تهنیت
۴۸۷	بازتاب شگفتی‌های روزگار در زندگانی
۴۹۱	تاجگذاری در روز غدیر
۴۹۷	گفتاری پیرامون سند حدیث غدیر

۵۲۵	داوری درباره سند حدیث غدیر
۵۳۹	رای همگانی درباره ابن حزم اندلسی
۵۴۷	نمونه‌هایی از آراء ابن حزم
۵۶۵	مفاد حدیث غدیر
۵۷۳	مفعل به معنای افعل
۵۸۰	سخن رازی در مفاد حدیث غدیر
۵۸۶	شبهه رازی و نظر دانشمندان
۵۹۰	سخن دیگر رازی
۵۹۴	در پاسخ به سخن رازی
۵۹۷	مفعل به معنای فاعل
۵۹۸	نظری در معانی مولی
۶۰۵	معانی مورد نظر از حدیث غدیر
۶۱۱	قراین معین متصل و منفصل
۶۳۵	احادیثی در تفسیر معانی مولی و ولایت
۶۴۳	سخنانی پیرامون مفاد حدیث غدیر
۶۵۷	توضیح بیشتر در مفاد حدیث غدیر
۶۵۹	عبادات روز غدیر
۶۶۰	حدیث روزه روز غدیر
۶۶۱	رجال سند حدیث

پیشگفتار ویراستار

ارمغان غدیر

لحظه‌ها با شتابی حیرت‌انگیز، اما سرشار از فروغ حقیقت و صفای عصمت و جوهر تکلیف درگذرند و زندگی تجلیگاه این راز و رمزهای نهفته در دل لحظه‌هاست که چونان باران بهاری نهال وجود آدمی را طراوت می‌بخشد و افقی روشن از حیات معقول را فراوی خرد و فطرت پدیدار می‌سازد.

انسان چون در وجود می‌آید، حرکت خود را خواه ناخواه در بستر تاریخ آغاز می‌کند و به پیش می‌راند، اما مهم این است که راه‌دان باشد و بداند که این حرکت بر چه اصلی استوار است و چگونه شکل می‌پذیرد و چه هدفی را دنبال می‌کند و به کجا می‌انجامد. اگر این حرکت مبتنی بر شناخت و تکلیف و آمیخته با عشق و امید و استقامت باشد، حماسه‌آفرین خواهد بود و حماسه در دفاع از حق است که تشخص می‌یابد. پس کرامت انسان و ماندگاری تاریخ و شکوه حماسه را باید در پناه حق جستجو کرد و تبلور معنویت را انتظار داشت، وگرنه با پایمال شدن حق، طبیعت تاریخ رو به کدورت می‌گذارد و انسان در تیه حیرت سرگردان می‌ماند و حماسه رنگ می‌بازد و معنویت حیات از دست می‌رود.

حضور این حق در اوج خود تداعی‌کننده ولایت رهگشا و بیدارگر و رهایی‌بخش

امیرمؤمنان علی علیه السلام است که با صبغه‌ای الهی و پشتوانه‌ای غیبی در مرزبانی از اسلام محمّدی شکل می‌گیرد و پایداری توحید را نوید می‌دهد و بزرگ نعمت هدایت را برای بشریت به ارمغان می‌آورد و پویایی و بیداری و فداکاری و جهاد پیگیر اهل قبله را در احیای حق و امامت باطل رقم می‌زند و راه رستگاری را فراروی حق‌باوران دین‌یاور هموار می‌کند و مکتب تاریخساز و عدالت‌گستر تشیع را جاودانگی می‌بخشد.

این ولایت باشکوه نشاط‌انگیز که جز محور اساسی فلسفه سیاسی اسلام نامی بر آن نمی‌توان نهاد، ثمره شگرف حماسه مقدس غدیر است که آفتاب لقا از افق دین دمید و حجاب‌های ظلمانی را پاک درید و تاریخ را آبرو داد و زندگی را معنا بخشید و فروغش تا زوایای اندیشه‌ها و اعماق جانها راه یافت. برای همین است که وقتی به غدیر می‌اندیشی، احساس می‌کنی بر ساحل اقیانوسی از کرامت و ایثار ایستاده‌ای.

آن روز که غدیر در تاریخ گل کرد و پیامبر اکرم با آیه تبلیغ مأموریت یافت که سبزترین پیام عرشی را به جهانیان ابلاغ فرماید، ولایت پا گرفت. آنگاه نسیم رحمت وزید، ایمان از نو شکوفا شد، باغسار رسالت به بار نشست، دین به کمال مطلوب رسید و جمال حقیقی اسلام جلوه‌گر آمد.

با گل کردن غدیر، ولایت به نام علی رقم خورد، حق وصایت بر همگان آشکار گشت، حیات معقول دوام و قوام یافت، خط‌مشی تکامل انسان و جامعه سامان پذیرفت و این افتخار بزرگ و جاودان به امر خدا و به دست نبی نصیب آن غدیری مرد نامتناهی شد که نگین کعبه، اسوه تقوا، شاهد صادق، سفینه نجات، فروغ هستی، گوهر مراد، صدیق اکبر، فاروق امت، قطب ارشاد، قرآن ناطق، ساقی کوثر و امام مبین بود و علم آدم، مناجات موسی، زهد یحیی، عبادت عیسی و ورع یونس را یکجا در او می‌توانستی دید. غدیر با علی گل کرد و منشور امامت شرف صدور یافت و به حدیث ولایت زیور گرفت و براستی مگر کسی جز علی شایسته احراز چنین مقامی شامخ تواند بود؟ آن ستوده یزدان که مرد میدان عقیده و جهاد بود و دروازه عشق و ایثار را فراروی نسلها گشود، آن کعبه مقصود که آزادگی را در بندگی خدا می‌دید و جز به حق و عدالت

نمی‌اندیشید و آن چشم و چراغ آفرینش که فکر و اندیشه بشر هنوز هم از درک ارزشهای وجودی شگفت‌انگیز وی ناتوان است. افسوس که این میراث گرانبهای هستی، با یک جهان فضیلت در عین ظهور بسان شب قدر همچنان ناشناخته مانده است.

حدیث ولایت از مشهورترین، مستندترین و موثق‌ترین احادیث در اثبات منصب والای وصایت امام علی بن ابیطالب است که علمای فریقین بر آن اتفاق نظر دارند. این حدیث شریف در متون روایی به اشکال گوناگون روایت شده است. گهی کوتاه است و گه بلند، گاه از فرط شهرت، زبانزد خاص و عام است و گاه غریب و نامأنوس، اما با حکمتی تمام و نیز برخی را راویان بسیارند و برخی را اندک. هر چه هست، صورتهایی از یک معناست و جلوه‌هایی از یک حقیقت که از حساس‌ترین فراز تاریخ اسلام پرده برمی‌دارد و بر مقام والای ولایت صحنه می‌گذارد.

این ولایت، جاودانه‌ترین ندای آسمانی وحی بود و رهگشای پیام نورانی قرآن که راه بروز و ظهور عدالت را هموار کرد، حقیقت ایمان را شاداب‌تر از همیشه آشکار ساخت، ارزنده‌ترین نعمت ماندگار الهی را برای جهانیان به ارمغان آورد، فلسفه عقیدت و جهاد را تحقق عینی بخشید، بازار عشق و معرفت را رواج دارد، حکمت عبودیت را تبیین کرد، تبلور معنویت را در متن زندگی رقم زد، چراغ کرامت و ایثار را برافروخت و در مجموع، معیاری برای سنجش ارزشها آمد.

به هر حال، این حدیث شریف به طرق گوناگون روایت شده و در جوامع روایی و مصادر تاریخی و متون تفسیری عامه و خاصه مذکور افتاده است.^۱ تعدّد و تنوّع روایات در این خصوص به حدّی است که نه تنها حقانیت ولایت مطلقه امیرمؤمنان را تأیید و تثبیت می‌کند، بلکه راه هرگونه تردید و ابهام و انکار را بر خرده‌گیران کژاندیش و غرض‌ورز فرو می‌بندد.

این روایات جلوه‌هایی زیبا و روح‌انگیز و پرمعنا از حدیث ولایت است که چون

۱. برای آگاهی از این منابع رجوع شود به: مقاله «حدیث الولاية بسبعین رواية»، از نگارنده، آفاق الحضارة الإسلامية، سال نهم، شماره ۱۸ (مهر ۱۳۸۵)، ص ۲۱۲ - ۲۱۹.

نسیم آسا بز ساحل غدیر وزیدن گرفته و کمال دین را رقم زده است، به حدیث غدیر نیز شهرت دارد. رسول خدا در این روایات از امیرمؤمنان علی علیه السلام با القابی چون «مولی»، «ولی» و «امام» یاد فرموده و حق ولایتش را بر همگان مسلم و واجب دانسته است. همو ولایت علی را ولایت خود می‌داند و ولایت خود را ولایت خدا می‌خواند^۱ که پیداست:

بود جمع در وی شروط امامت به نص صریح کلام الهی^۲

بر این اساس است که پیامبر اکرم دوست و دشمن علی را دوست و دشمن خود می‌شمرد و از دوست و دشمن خود نیز به عنوان دوست و دشمن خدای تعالی نام می‌برد.^۳ دوستان علی را به رحمت ایزدی امیدوار می‌گرداند و دشمنانش را از خشم الهی می‌ترساند.^۴ به پیروان راستین علی صادقانه مهر می‌ورزد و از دشمنانش سخت بیزار می‌جوید.^۵ علی را بزرگ رهبر فرزانه امت می‌نامد که در پرتو رهنمودهای حکیمانه‌اش راه درآمدن به فردوس برین هموار می‌گردد، آنگاه از امت می‌خواهد که بدو عشق ورزند، از او پیروی کنند، او را گرمی دارند، دعوتش را پاسخ گویند و گوش به فرمان او باشند.^۶

معانی بکر، نکات دقیق و مفاهیم بلندی که در این روایات نهفته است، حکایت از آن دارد که امر ولایت در حوزه تفکر دینی از مهم‌ترین مسائل کارساز و ژرف‌ترین مباحث رهگشاست، چه نه تنها کمال دین را در پی دارد و سبب می‌شود که توحید و رسالت بدان قوت گیرد، بلکه ساختار دین و انتظام امور مسلمانان بدون آن انسجام و قوام و دوام نپذیرد. حدیث ارزنده و پرمحتوای «إِنَّ الْأَمَامَةَ زَمَامُ الدِّينِ وَنِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَصَلَاحُ الدُّنْيَا وَعِزُّ الْمُؤْمِنِينَ»^۷ از امام رضا علیه السلام در واقع روشنگر حقیقت جوهری غدیر است که از آن به «ولایت» و «امامت» تعبیر می‌شود. پس می‌توان گفت که امامت اساس اسلام

۱. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال: ۶۱۱/۱۱.

۲. این بیت از فیاض لاهیجی است. در ساحل غدیر ۳۴.

۳. ینابیع المودة: ۱۰۷/۲. ۴. فضائل الخمسة من الصحاح الستة: ۴۱۴/۱.

۵. همان: ۲۴۶/۲. ۶. رک: فراید السمطین: ۷۸/۱.

۷. الکافی: ۲۰۰/۱.

است و نعمت هدایت بدان تمام؛ نور مطلق است و صراط مستقیم حق؛ جزو اصول دین است و مؤمنان را عزّت آفرین؛ عدالت گستر است و تعهد آور و در نهایت، اصل هر خیر و نیکی است که بی توجّهی بدان، توحید و خداشناسی را تهدید می کند.

با تجلّی نور ولایت، فلسفه سیاسی اسلام شکل گرفت و روح غدیر در گذر زمان؛ انسان و حیات معقول انسانی را تحت تأثیری شگرف قرار داد و معنویتی پویا و دلنشین را برای امت مسلمان به ارمغان آورد که با حکومت امام علی آغاز شد، اما دیری نپایید که عدالت وی را برتافتند و دنیا را بر آخرت برگزیدند و معنویات را نادیده انگاشتند و کار بدانجا کشید که سرانجام، در پنجه اسارت حاکمان ستمگر گرفتار آمدند. آخر، این همه تأکید بر ولایت به خاطر آن بود که خوی و منش فرعون و کسروی و قیصری جایگزین هدایت قرآنی و تعالیم اسلامی و اخلاق نبوی نشود و سلطنت موروثی اموی و عباسی به جای حکومت عدل علوی بر سر مسلمانان سایه نیفتد.

اگر مسئله ولایت مهم و حیاتی نبود، هرگز خدای تعالی در آیه تبلیغ آن را پشتوانه رسالت پیمبر نمی خواند و در آیه اکمال از آن با تعبیر کمال دین و نعمت هدایت آفرین یاد نمی کرد. هرچند صورت ظاهری ماجرای غدیر یک امر تاریخی است که در مکان و زمان و شرایط خاص به وقوع پیوسته است، اما محتوای جهانشمول آن که اصل ولایت و رهبری باشد، حقیقتی است جاودانه و پایدار و سستی است الهی و تغییرناپذیر که بسی فراتر از ظرف زمان و مکان است، چه در پرتو فروغ ولایت، هدایت معنا پیدا می کند، راه رستگاری فراروی انسان هموار می شود، حیات بشری جلوه ای ملکوتی می یابد، جامعه برین شکل می گیرد، ارزشها بارور می گردد و وحدتی فراگیر بر حیات سیاسی-اجتماعی اهل قبله حاکم می آید.

به هر تقدیر، اگر آفتاب ولایت نمی تابید، نه تاریخ را قدر و منزلتی بوده، نه حماسه را مفهوم و معنایی، نه اندیشه را رنگ و بویی، نه سیاست را جاه و جلالتی و نه آدمی را آبروی و جاهتی. بی نور ولایت انسان در ظلمت ضلالت زمینگیر و بیچاره می شد، فلسفه سیاسی از تکیه گاهی استوار بی بهره می ماند، خردورزی و فضیلت پروری رواج

نمی‌یافت، حماسه خاصیت مرزبانی از حق و راستی را پاک از دست می‌داد و تاریخ دیگر نمی‌توانست بستر مناسبی برای جنبش‌های حق طلبانه بر ضد هرگونه تبعیض و ستم بوده باشد. اصولاً تا نظام حکومتی اسلام بر مبنای ولایت شکل نگیرد و در پرتو امام‌شناسی از پویایی و تحرک سازنده برخوردار نیاید، آرزوی هدایت و عدالت و سعادت کردن خیال خام در سر پروردن است. در یک کلام می‌توان گفت ولایت زیربنای فلسفه سیاسی اسلام است که تبلیغ دین، نشر توحید، اجرای احکام، اقامه حدود، اصلاح امور و تأمین حقوق بشر در پرتو رهنمودهای حکیمانه امام مبینی چون علی بن ابی طالب علیه السلام امکان‌پذیر تواند بود، متنها به حکم «أنا الهادی و أنا المهتدی»^۱ نخست خود به نور هدایت الهی از حقایق امور و اسرار و رموز جهان هستی آگاهی می‌یابد و سپس در پرتو این نور، به هدایت خلق برمی‌خیزد. پس امام یا ولی با برخورداری از مقام عصمت، واسطه فیض میان خالق و مخلوق است و با افاضات وی می‌توان به مدینه فاضله‌ای که فارابی طرح آن را در افکند، امید بست.

به هر حال، کمال مسلمانی و قوام دین مبین تنها در گرو گردن نهادن به ولایت امام عدلی چون علی و فرزندان برومند و ارجمند اوست و نماز و زکات و روزه و جهاد و دیگر احکام عملی اسلام همه در پرتو چنین ولایتی معنا می‌یابد، چه ولایت برخاسته از غدیر به خونی می‌ماند که در شریان اسلام جاری است و اسلام بی‌غدیر جز قلب از حرکت بازایستاده‌ای بیش نیست و اهمیت جوهری غدیر در همین اصل پویای سعادت آفرین نهفته است که در طول تاریخ اسلام همواره مورد توجه عالمان پاک‌دین و متفکران ولایت‌مدار بوده است، چنانکه ابونصر فارابی (م ۳۳۹) مدینه فاضله خود را برپایه امامت بنا می‌نهد و شیخ طوسی (م ۴۶۰) امامت را مکمل توحید می‌داند و خواجه نصیر طوسی (م ۶۷۳) بر لزوم امام معصوم و حاکم عادل تأکید می‌ورزد و علامه حلی رهبری و

۱. این سخن از امام علی درباره خویش است. بحارالانوار: ۳۲۹/۳۹. مشابه همین کلام نیز از رسول اکرم با این عبارت روایت شده است: «إِنْ تَوَلَّوْا عَلِيًّا تَجِدُوهُ هَادِيًا مَهْدِيًا يَسْلُكُ بِكُمْ الطَّرِيقَ الْمُسْتَقِيمَ. حلیه الاولیاء: ۶۴/۱.

فلسفه سیاسی را در رأس امور دینی قلمداد می‌کند.^۱ همین طرز تفکر تداوم یافت تا نوبت به محققان زیردست و مجاهدان نستوه و مصلحان بزرگی چون میرحامد حسین هندی (م ۱۳۰۶)، شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء (م ۱۳۷۳)، علامه شرف‌الدین عاملی (م ۱۳۷۷) و علامه شیخ عبدالحسین امینی (م ۱۳۹۰) رسید و آنان نیز با بحثها و بررسیهای ژرف و دقیق این آرمان والا را دنبال کردند و آثاری ماندگار پدید آوردند که به نتایج ارزنده و سودمندی چون وحدت اسلامی و تقرب مذاهب و اخوت ایمانی انجامید.

میراث جاودان

از میان این آثار ماندگار، کتاب شریف *الفدیر* را در عرصه تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامی جایگاهی بلند و بالاست و در حوزه فلسفه سیاسی اسلام قدر و منزلتی شایسته و در خور ستایش و ثناست و گزافه‌گویی نیست اگر ادعا شود که این دفاعنامه جانشینان راستین رسول خدا در نوع خود بی‌نظیر و بی‌همتاست، چه این کتاب عظیم در واقع موسوعه‌ای است متین و جامع در اثبات ولایت کبرای امام علی علیه السلام که بر اساس ژرفنگری علمی همه جانبه در قرآن و حدیث و ادب و تاریخ شکل گرفته و با طرحی بی‌سابقه و شیوه‌ای محققانه به رشته تحریر درآمده است. افزون بر این، *الفدیر* را ویژگیهای برجسته و نتایج ارزنده‌ای است که آن را از دیگر آثار مشابه ممتاز می‌گرداند و از همین روست که بسیاری از متفکران و صاحب‌نظران مسلمان و حتی مسیحی بدان به دیده احترام نگریسته و در تجلیل و تبجیل از مقام شامخ علمی علامه امینی و محصول فکر و اندیشه پویای وی داد سخن داده و تقاریظی نوشته‌اند که هر خواننده‌ای را به حیرت و امی دارد. همچنین بسیاری از شاعران عرب‌زبان و پارسی‌گوی در وصف *الفدیر* اشعاری آبدار سروده‌اند و اندیشه بلند و قلم توانا و پشتکار علمی پدیدآورنده‌اش را نیکو ستوده‌اند.

به هر حال، این میراث گرانقدر اسلامی با برخورداری از پشتوانه علمی قوی، ابتکار در خور تحسین، خلوص نیت، قدرت ابداع و تلاش بی‌وقفه به بار نشست و روشنگر راه حقیقت آمد و چونان چشمه ساری زلال تشنگان ولایت را سیراب کرد و شیعه را حیاتی نوین بخشید و وحدت را برای امت به ارمغان آورد.

علامه امینی، این مصلح بزرگ و مجاهد نستوه در تدوین الفدیر تمام توان خود را به کار گرفت و تا وصول به هدف لحظه‌ای از پای نشست. رنج سفرهای پژوهشی را بر خود هموار ساخت و به کتدوکاوی ملال‌آور در صدها کتاب پرداخت و با اندوخته علمی سرشار به مباحث دامنه‌داری در تبیین اهمیت واقعه حیاتی و سرنوشت‌ساز غدیر و دفاع جانانه از حریم ولایت همت گماشت که در پیدایش وحدت اصولی و فراگیر و برقراری همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان مذاهب اسلامی و بویژه بازشناسی حقایق ناب تشیع سخت مؤثر افتاد. این توفیق بزرگ بی‌تردید مرهون روش علمی خاص وی در پرداختن به فقه تاریخ و نقد سخن و شناخت عناصر زمان بود که توانست با موشکافی و باریک‌بینی و دقت نظری بی‌سابقه به بازشناسی تاریخ پرفراز و نشیب اسلام دست یابد و بالحنی ملایم و خردپسند و رعایت دقت و امانت در نقل، به ابهام زدایی و رفع اتهام از مذهب پویای تشیع همت گمارد و در مقام ردّ شبهات و تحریفات جدال احسن را در پیش گیرد و با برهانی قاطع به نقد و بررسی افکار و آثار ناهنجار پردازد و حق را از باطل جدا سازد و در این طریق توانفرسا و مخاطره‌آمیز، با استناد به منابع معتبر بر ضدّ و نقیض گویی‌های بی‌اساس خطّ بطلان کشد و از کج‌فهمی‌های نویسندگان ناآگاه و غرض‌ورزیهای عالم نمایان بی‌تعهد و حتی ژاژخایی‌های خاورشناسان بی‌انصاف پرده بردارد و در نتیجه، حقایق ارزشمند بسیاری را در حدیث و تفسیر و تاریخ و ادب و فقه و رجال و کلام و دیگر معارف هدایتگر بنمایاند و افقی روشن را در شناخت حقیقت فلسفه سیاسی اسلام فراروی امت مسلمان بگسترد.

آری، وی در اثبات حق و نفی باطل از هیچ کوششی فروگذار نکرد و در آفرینش این اثر گرانقدر بی‌نظیر دمی از تلاش و حرکت باز نایستاد و تا بدانجا پیش رفت که نه تنها

تاریخ ادبیات غدیر را به طرزی بدیع به رشته تحریر درآورد، بلکه با نقد و بررسی دقیق مهم‌ترین آثار مکتوب بر جای مانده از نویسندگان مسلمان در رشته‌های گوناگون، براساس مدارک و منابع فراوان اهل سنت و جماعت، به نوعی بازسازی علمی دست یافت که می‌توان از آن به عنوان معیاری وزین در سنجش کتابهای بسیار و ارزیابی مطالب بیشمار یاد کرد.

این فقیه بزرگ تاریخ با به کار گرفتن چنین روشی تحلیلی و ابتکاری در طریق کشف حقایق گام برداشت، به تفکیک سره از ناسره در تاریخ اسلام همت گماشت، در تنقیح و تهذیب احادیث نبوی از حیث متن و سند موفق آمد، روایات صحیح را از ضعیف و موثق را از موضوع بازشناساند، حدیث شریف غدیر را با استناد به صحاح و مسانید اهل سنت از نو احیا کرد، پاره‌ای از فضایل و مناقب امام علی را از زبان علمای عامّه بازگو نمود و در شرح واقعه تاریخی غدیر و تبیین اصل اعتقادی ولایت از کلام وحی مدد جست، چنانکه وقتی به بحث در آیات تبلیغ و اکمال می‌پردازد و در طرح مباحث ولایی به فرازهایی از کتاب خدا استناد می‌کند، با ظرافتی تمام برهان و عرفان را در خدمت قرآن به کار می‌گیرد و تفسیری دلپذیر و پرجاذبه و الهام‌بخش از غدیر و ولایت و مولی به دست می‌دهد.

شیوه نگارشی الغدیر خود مزیتی دیگر است که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت، چه این دایرةالمعارف سرشار از مسائل علمی اسلامی از نثری روان و شیوا، بافتی متین و استوار، ذوقی شاعرانه و لطیف، بیانی حماسی و جذّاب، منطقی رهگشا و روشنگر و ظرافتی دل‌انگیز و زیبا برخوردار است که از تبحر و تضرّع نویسنده توانای نادره‌پرداز آن در زبان و ادب عربی حکایت دارد.

در مجموع، این امتیازات که اندکی است از بسیار، حاصل سالها پژوهش بی‌وقفه فقیهی تاریخ‌نگار و سخن‌دانی حدیث‌شناس است که با ذهنی وفّاد، اندیشه‌ای ژرف، طبعی لطیف، منطقی حکیمانه، قلبی سلیم و طرحی ابتکاری دست به کار تألیف شد و کتاب بی‌بدیل و ماندگار الغدیر را پدید آورد و به جامعه بشری عرضه داشت تا مشعلی

فروزان فرا راه انسانهای آزاده حق پژوه و فضیلت خواه در طول تاریخ باشد و امت مسلمان نیز از ثمرات مفید و ارزنده آن به نحو مطلوب بهره‌مند گردد.

از علامه امینی، جزائر مکتوب خواندنی و ماندنی الغدير، نوزده کتاب و رساله وزین مطبوع و مخطوط دیگر به یادگار مانده است که برخی به موضوعاتی چون زیارت و ولایت و توحید و نیت اختصاص دارد و برخی نیز در تفسیر و فقه و تاریخ و درایه و کتابشناسی است.^۱

طغرای ولایت

در اینجا نگارنده سخن را با چکامه‌ای که در وصف الغدير سروده است، به پایان می‌برد و آن را از باب قدرشناسی به ساحت مقدس علامه امینی که خدای تعالی بهترین پاداش را بدو عطا فرماید، تقدیم می‌دارد.

دریای ولایت الغدير است	خضرای ولایت الغدير است
تابشگه نور کردگاری	سینای ولایت الغدير است
جان پرور و دلپسند و زیبا	مرآی ولایت الغدير است
پرسوز و گداز و عالم افروز	آوای ولایت الغدير است
بازار کرامت و صفا را	کالای ولایت الغدير است
بیهوده به هر دری مکوبید	ماوای ولایت الغدير است
حساس‌ترین پیام تاریخ	فتوای ولایت الغدير است
در اوج سپهر رستگاری	مهسای ولایت الغدير است
با جذبه عشق مرتضایی	نجوای ولایت الغدير است
در بزم فروغمند توحید	سرنای ولایت الغدير است
بر قلعه قاف حق پرستی	عنقای ولایت الغدير است
هم صحبت بیدلان حق جو	همپای ولایت الغدير است

۱. برای تفصیل بیشتر رجوع شود به: حماسه غدیر ۳۲۰ - ۳۲۴.

بشرای ولایت الغدیر است
 حورای ولایت الغدیر است
 غوغای ولایت الغدیر است
 مجلای ولایت الغدیر است
 جویای ولایت الغدیر است
 صدرای ولایت الغدیر است
 تانای ولایت الغدیر است
 سیمای ولایت الغدیر است
 صهبای ولایت الغدیر است
 دیبای ولایت الغدیر است
 گرمای ولایت الغدیر است
 مینای ولایت الغدیر است
 دنیای ولایت الغدیر است
 انشای ولایت الغدیر است
 دانای ولایت الغدیر است
 طوبای ولایت الغدیر است
 شعرای ولایت الغدیر است
 امضای ولایت الغدیر است
 طغرای ولایت الغدیر است
 سقّای ولایت الغدیر است
 شولای ولایت الغدیر است
 جانپای ولایت الغدیر است
 مبنای ولایت الغدیر است
 فحوای ولایت الغدیر است

رهِتوشهٔ پربهای وحدت
 در باغ بهشت نیکبختی
 دشمن شکن خدای محور
 گسلگشتِ معطرِ امامت
 گویای رموز حق مداری
 در مکتب دلگشای حکمت
 از بسی خبری خبر نباشد
 رؤیایی و دلکش و فربیا
 در جام جهان نمای عرفان
 بر قامت کعبهٔ هدایت
 سرسبزی باغ معرفت از
 آئینهٔ مهر و داد و ایثار
 اسرارِ نمای آفرینش
 یسار آورِ خاطراتِ عترت
 در مدرسهٔ بزرگواری
 فردوس برین سروری را
 بر تارک آسمان ایمان
 در پای خدای نامهٔ نور
 منشور رسالت نبی را
 در تیه عطش فزای حیرت
 بر دوش تعهد و امانت
 سکنای عطوفت و محبت
 رویین دژ فیض ایزدی را
 بشکوه‌ترین بهار جانها

احیایگر مذهب تشیع	عیسای ولایت الغدير است
ناقص خردان و کجروان را	کرنای ولایت الغدير است
سرچشمه خیر و باب رحمت	گلجای ولایت الغدير است
خورشید نشان و گوهر افشان	اجزای ولایت الغدير است
در منطق صائب امینی	معنای ولایت الغدير است
از حامد بی قرار بشنو	شیدای ولایت الغدير است

آشنایی با شیوه کار

چند سال پیش قرار شد که ترجمه کتاب شریف و وزین الغدير پس از چاپهای متعدد به طور جامع و همه جانبه ویرایش شود. ابتدا راقم این سطور به مطالعه و بررسی اجمالی متن ترجمه پرداخت و پس از مراجعات مکرر به متن اصلی، در مقام مقایسه و تطبیق برآمد و دریافت که ترجمه نه تنها نیاز جدی به ویرایش اساسی و پرداخته دارد و باید با متن اصلی مقابله و سنجیده شود، بلکه لازم است کاستی‌ها و نادرستی‌های نحوی و زبانی آن اصلاح گردد و افزون بر این، رعایت قواعد خط‌نگاری، نشان‌گذاری، سندآوری و صفحه‌آرایی در دستور کار قرار گیرد. بر این اساس، سه ویرایش محتوایی، زبانی و فنی در پیش رو بود که با توجه به ترجمه بیست و دو جلدی کتاب در بیش از هفت هزار صفحه و به قلم نه تن از مترجمان، کاری سترگ و وقت‌گیر و توانفرسا به نظر می‌آمد، بویژه که درک علمی و شیوه نگارش مترجمان در ترجمه با یکدیگر متفاوت بوده است، چنانکه برخی از آنان ترجمه‌ای متین و شیوا و روان ارائه داده‌اند و برخی دیگر ترجمه‌ای نه‌چندان مناسب و مطلوب. به همین جهت، در برخی مجلدات پاره‌ای از عبارات و فقرات آنچنان آشفته و در هم و برهم ترجمه شده است که ویرایش آنها جز با ترجمه مجدد یا تغییر در ساختار امکان‌پذیر نبود.

در تفاوت شیوه مترجمان همین بس که ترجمه‌ای به خاطر حفظ امانت بیش از حد تحت‌اللفظی شده است و ترجمه‌ای در اثر گرایش به فارسی‌نویسی موجب نامفهوم

آمدن بعضی جمله‌ها گردیده است و کاربرد تعبیرات عامیانه ناخوشایند نیز در ترجمه‌ای دیگر به اعتبار آن خدشه وارد کرده است و بر عکس، تبخّر همراه با دقت نظر برخی از مترجمان حاصل کارشان را ارزشمند جلوه داده است. البته، مخفی نماند که عموماً متن ترجمه‌ها در تمامی مجلّدهات از جهت صوری هماهنگ و یکدست نبوده و در آرایش صفحات ذوق و سلیقه به کار نرفته است.

در هر حال، نگارنده به لحاظ حجم زیاد غیرمعارف کتاب و کثرت مترجمان و نیز به منظور تسریع در کار تصمیم گرفت که از همکاری ویراستارانی در ویرایش فنی بهره گیرد تا لااقل به حکم و اصلاح رسم‌الخط فارسی و رعایت ضوابط نقطه‌گذاری و تنظیم ارجاعات و مواردی از این قبیل اهتمام ورزند. در این باره با چهار تن از دوستان فاضل مذاکره به عمل آمد و همگی اظهار تمایل به همکاری کردند. بیدرنگ دستورالعملی تهیه و تکثیر شد و در اختیار همکاران قرار گرفت و مرحله مقدماتی کار آغاز گردید و پس از مدّتی ویرایش صوری بیست مجلد انجام پذیرفت و دو مجلد نیز به جهت مشکل نگارشی دست نخورده باقی ماند.

پس از این مرحله، ویرایش اساسی پر دامنه محتوایی و زبانی با تمام دشواری‌ها و پیچیدگی‌هایش در پیش بود که از وظایف راقم این سطور به شمار می‌رفت. بدین منظور، وی کار خود را از مقابله متن ترجمه با اصل عربی آن آغاز کرد و همزمان به ویرایش زبانی پرداخت و در اثنای کار با ناهماهنگی در عملکرد همکاران و اعمال سلیقه‌های گوناگون مواجه شد و خود را ملزم دید که به موازات ویرایش محتوایی و زبانی در رفع نقایص و تکمیل نواقص نوظهور همت گمارد و با عزمی جزم کار را به گونه‌ای سامان دهد که حتی المقدور نثر ترجمه از نظر فنی یکدست و یکنواخت گردد.

البته، هرچند که این کار علمی گسترده توانفرسا سالها به طول انجامید و پس از طی مراحل حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی و نمونه‌خوانی به زیور چاپ آراسته شد، اما نگارنده در ویرایش با کاستی‌ها و افزودگی‌ها و کاربرد روشهایی نامطلوب و تعابیری نامأنوس و اشکالات و ابهاماتی روبرو بود که بسیاری از آنها به هنگام مقابله ترجمه با

متن اصلی آشکار می‌شد و بسیاری دیگر در متن ترجمه به چشم می‌خورد. بی‌تردید این نقصها و ضعفها از شتابزدگی و سهل‌انگاری بعضی از مترجمان حکایت داشت که با توجه به نثر شیوا و بافت استوار متن عربی، امری دور از انتظار بود. به هر حال، پاره‌ای از اینگونه موارد جهت اطلاع بدین شرح است:

۱- از قلم افتادن ترجمه پاره‌ای از ابیات و عبارات که ترجمه آنها افزوده شد. البته، لازم به یادآوری است که برخی از مترجمان اشعار و فقرات خارج از موضوع را ترجمه نکرده‌اند.

۲- ثبت اشعار عربی در متن ترجمه برخی مجلدات که جز در موارد استثنایی اجتناب‌ناپذیر مابقی همه حذف شد.

۳- ضبط اشتباه بسیاری از اعداد و ارقام مربوط به مآخذ و وفیات و آیات که تمامی آنها اصلاح شد.

۴- ترجمه نام بعضی از رجال و کتب، مانند این نمونه‌ها:

— «فرزند آقای مردم» به جای «ابن سید الناس».

— «ابوالفرج سپاهانی» به جای «ابوالفرج اصفهانی».

— «مستدرک بر صحیح مسلم و بخاری» به جای «المستدرک علی الصحیحین».

— «کتابهای مطبوعه» به جای «معجم المطبوعات».

— «کسانی که حدیث غدیر خم را روایت نموده‌اند» به جای «من روی حدیث غدیر خم».

— «طبقات ادبا از نحویین» به جای «طبقات الادباء النحاة».

اصل این اعلام جایگزین ترجمه آنها شد.

۵- کاربرد واژه‌های بیگانه در ترجمه، مانند «باند»، «فرمول»، «ماسک»، «پلیس» و «کاندید» که به فارسی برگردانده شد.

۶- نوآوری ابهام‌آمیز، مانند گزینش الفاظ فارسی به جای مصطلحات اسلامی که به معنی خلل وارد می‌سازد، مانند موارد ذیل که ترجمه از اصل با خط مورب جدا شده

است:

«فراز / آیه»، «گزارش / روایت»، «روشنگری / تفسیر»، «پاسداران گزارش / حافظان روایت»، «نامه خدا / قرآن»، «آیین نامه / سنت»، «هنر گزارش / فن حدیث»، «آیین دانان / فقیهان»، «آموزشهای نهانی / وحی»، «روشنگری آیین / فتوا»، «پرستشگاه / مسجد» و نظایر آنها.

از این واژه‌های نامأنوس صرفنظر شد و اصل مصطلح آنها جایگزین گردید.

۷- استعمال تعبیرات عامیانه در ترجمه که دور از شأن اثر گرانقدر الغدیر است، گرچه در فرهنگهای لغت آمده باشد، مانند «پرت و پلا»، «دوز و کلک»، «گردن کلفت»، «کارچاق‌کن»، «کثافتکاری»، «ماسه مالی»، «زیر سیلی در کردن»، «لجن مال کردن»، «سگ‌توله»، «سیاست بی‌پدر و مادر»، «سرهم بندی»، «بی‌سر و ته»، «پادوهای روحانی‌نما»، «زور زدن»، «یواش‌تر»، «ولش کن»، «چرندیات» و نیز کلمات رکبیک و ناخوشایندی که همه آنها به طرز مطلوبی معادل‌یابی و اصلاح شد.

۸- انتساب کتاب به غیر مؤلف آن، مانند نسبت دادن الوافی بالوفیات صفدی به ابن شاکر و شرح المقاصد تفتازانی به شریف جرجانی و الضوء اللامع سخاوی به محبّی که تمامی آنها اصلاح پذیرفت.

۹- افزودن توضیحاتی در برخی از صفحات و پانوشتهای ترجمه که جز در موارد معدود، بیشتر آنها غیر ضروری به نظر آمد و محذوف افتاد.

۱۰- آوردن جملات بی‌ربط و نامناسب و غیرمتداول در ترجمه که نمونه‌های زیر اندکی از آنهاست:

(۱) جای ناخن زدن ندارد.

(۲) کاسه جنایتش پر شد.

(۳) آنجا که عالم بلغزد طبل آن نواخته می‌شود.

(۴) عقل از جانم گریخت.

(۵) جلو من در دست او بود.

- ۶) چکیده مانند چسبیده نیست.
- ۷) دندان ندامت بر پشت دست خواهد گزید.
- ۸) جام مرگ بر سر کشیدند.
- ۹) زبانش از دشنام و ناسزا عریان بود.
- نظیر این جملات بسیار است که تمامی آنها پس از مقابله با متن اصلی اصلاح گردید.
- ۱۱- ذکر نام و مشخصات بسیاری از منابع تحقیق در متن ترجمه که جز در موارد اجتناب ناپذیر، به طرزی روشمند به پانوشتها انتقال یافت.
- ۱۲- حذف مأخذ پاره‌ای از مطالب و نقل مأخذ مطلبی برای مطلب دیگر در ترجمه که افزوده و اصلاح شد.
- ۱۳- ترجمه اشتباه بسیاری از کلمات و عبارات و آیات عربی که توضیح گردید.
- ۱۴- ضبط غیر منطقی عین جملات عربی و آیات قرآنی در متن ترجمه که به فارسی برگردانده شد، مانند «کأن لم یکن»، «علیهذا»، «سبحان الخالق القادر»، «ان شاء الله»، «معاذ الله» و «بسم الله الرحمن الرحيم».
- ۱۵- وجود اغلاط املایی بیشمار و کاستی‌ها و نقایص بسیار در ثبت الفاظ و اعلام رجال و کتب و قبایل و جماعات و بلاد که اگر مجموعه آنها فراهم آید، فهرستی بلند و طولانی شکل خواهد گرفت. البته، باید اذعان کرد که پاره‌ای از این اغلاط و نقایص از متن عربی به ترجمه راه یافته است. به هر حال، در اصلاح تمامی واژه‌های مغلوط و رفع نقایص کوشش لازم به عمل آمد.

ذکر چند نکته

نگارنده در یادکرد کاستی‌ها و نادرستی‌های ترجمه که بسی افزون‌تر از موارد پانزدهگانه مذکور است، به همین مقدار بسنده می‌کند و از نکاتی در این راستا سخن می‌گوید که شاید آگاهی بخش باشد و سودمند افتد.

الف) نشانی آیات. ترجمه یا اصل قرآنی بسیاری از آیات بیّنات در متن فارسی

الفدیر بدون ذکر نشانی آمده است که نشانی تمامی آنها از المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم یافته و در پانوشتها آورده شد. گفتنی است که این آیات در متن عربی نیز بدون نشانی است.

ب) ترجمه آیات و روایات، اصل عربی آیات و احادیث فراوانی بنا به ضرورت در جای جای متن فارسی بدون ترجمه آمده است که ترجمه دقیق آنها در پانوشتها افزوده شد.

ج) ارجاعات، علامه امینی به جهت پرهیز از تکرار، در بسیاری موارد مطالب را به صفحات الفدیر ارجاع داده است که چون انجام چنین کاری در ترجمه فارسی متعذر و غیرعملی بود، ارجاعات با اعمال اصلاحاتی به متن عربی صورت پذیرفت، چه ارجاعات متن اصلی خالی از اشکال نبوده است.

د) نشانه‌های اختصاری، در ویرایش ترجمه فارسی از نشانه‌های اختصاری معدودی بدین شرح استفاده شده است:

چ: چاپ. / رک: رجوع کنید به. / م: متوقفی. / (م): مترجم. / (و): ویراستار. / ه: هجری قمری.

ه) اصلاح و تصحیح، چنانکه قبلاً از نظر گذشت، متن ترجمه فارسی الفدیر را اغلاط بیشماری بوده است که تمامی آنها اصلاح گردید، متنها تصحیح بسیاری از اعلام نیازمند اعمال پژوهش علمی دقیق بوده است.

و) در ستایش الفدیر، این فصل که به طور جداگانه خواهد آمد، در واقع حاوی گزینه‌هایی از چند تقریظ منشور و منظوم بر الفدیر است که تا حدی عظمت کار شگرف و توانفرسای علامه امینی را نشان می‌دهد.

ز) منابع پژوهش، از آنجا که رفع بسیاری از اشکالات و ابهامات متن ترجمه جز از طریق مطالعه و تحقیق و مراجعه به منابع تخصصی امکان‌پذیر نبود، ناگزیر با روی آوردن به امر پژوهش همراه با مراجعات مکرر بی‌وقفه به منابع علمی معتبر راه حل و فصل مستند دشواریها هموار شد و کار به سامان آمد و سرانجام فهرستی از منابع متنوع کارساز و

رهگشا ترتیب یافت که در جای خود از نظر خواهد گذشت.

ناگفته نماند که در معادل یابی لغات و تعبیرات ناخوشایند و واژه‌های مرکب و مواردی از این قبیل که در متن ترجمه به وفور یافت می‌شد، پیوسته از فرهنگ فارسی معین استفاده شده است.

در اینجا باید بدین نکته توجه داشت که منظور از بیان کاستی‌ها و نادرستی‌های موجود در ترجمه فارسی الفدیر، تنها خرده‌گیری به کار مترجمان محترم نیست، بلکه غرض اصلی باز نمودن کار سنگین و طاقت‌فرسای ویرایش ترجمه اثر علمی جامع و وزینی است که بی تردید خالی از ایراد و اشکال نمی‌توانست بوده باشد، هرچند که پیدایش بخش قابل توجهی از اشکالات به جهت اهمال در حروفچینی و نمونه‌خوانی و نظارت بر امر چاپ و عدم اهتمام به ویرایش متن اصلی و ترجمه فارسی بوده است.

سپاسگزاری و قدردانی

انتشار ترجمه کتاب شریف الفدیر با ویرایش جدید، در وهله نخست مرهون توجه مدیر فاضل و ارجمند بنیاد بعثت، جناب حجة الاسلام آقای علی اسلامی است که با همتی بلند و پشتکاری تحسین‌آمیز به چاپ و نشر این اثر همت گمارده و دشواری‌هایی را در این راه تا حصول نتیجه بر خود هموار کرده است.

ویراستاران گرامی: خانم ربابه صادقی اسکویی، خانم معصومه سالک، آقای ابوالقاسم رادفر و آقای مهدی مدائنی در ویرایش فنی بخش عمده کتاب همکاری صمیمانه داشته‌اند.

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی کتاب به کوشش دوست ورزیده و کارآزموده، آقای مجید نوروزی انجام پذیرفته است.

تصحیح نمونه‌های چاپی را فرزندانم آقای امیرجعفر میرزاحمد برعهده داشته و در کار خویش هیچگاه از مشورت غفلت نورزیده است.

در اینجا لازم می‌داند که مراتب امتنان بی‌شائبه خود را نسبت به همه دوستان و

همکاران بزرگواری که نامشان مذکور افتاد، ابراز دارد و توفیق روزافزونشان را در خدمت به فرهنگ حیات بخش اسلام و تشیع آرزو نماید.

اکنون که نگارنده به فضل الهی و در کمال دقت و تعهد و امانت، مقابله و تصحیح و تنقیح ترجمه الفدیر را به پایان برده و در تحقق آرمان قلبی خویش توفیق یافته است، خدای را سپاس می گوید و امیدوار است که صاحب نظران نکته سنج بر این اثر به چشم عنایت بنگرند و در رفع نقایص از راهنمایی دریغ نورزند.

و عین الرضا عن کلّ عیب کليلة و لکنّ عین السخط تبدی المساویا
در پایان، فروتنانه از خدای تعالی درخواست می کند که نعمت قدرشناسی از علامه امینی، آن مصلح بزرگ و نامدار و دانشی مرد ولایت مدار را - با مطالعه آثار علمی بهاور و گرانقدرش - به همه حقیقت جوین تاریخ ارزانی فرماید و دری از رحمت فرا روی این کمترین خدمتگزار دوستدار مولا علی بگشاید، بمنّه و کرمه.

علی رضا میرزامحمد

مهرشهر کرج - دوشنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۸۵ هجری شمسی

برابر با ۱۵ صفر ۱۴۲۸ هجری قمری

در ستایش الغدير

بر کتاب شریف و گرانقدر الغدير که آوازه‌اش از دیرباز در اقطار و بلاد گوناگون پیچیده است، تقاریض منشور و منظوم ارزنده‌ای به قلم جمع کثیری از بزرگان علم و معرفت، رجال شعر و ادب و صاحب نظران در تاریخ و فرهنگ اسلام به رشته تحریر درآمده و در کتابها و مجلات و جراید کشورهای اسلامی به چاپ رسیده است که مجموعه آنها را می‌توان در قالب کتابی ارائه کرد. البته، بخش عمده‌ای از این تقریضها در مجلدات الغدير ثبت شده است که چون در این نوشتار، جای تفصیل بسیار نیست، به نقل گزینه‌هایی از تقاریض چند تن از اندیشمندان و سخنوران نامی بسنده می‌کنیم و سپس به ذکر نام نویسندگان و شاعرانی که درباره کتاب و مؤلف و ارزش کار وی قلم‌فرسایی کرده‌اند، می‌پردازیم.

تقدیر نامه‌های اندیشمندان

۱- استاد محمد عبدالغنی حسن، محقق و ناقد و ادیب مصری در مقاله‌ای با عنوان

«فی ظلال الغدير» به وصف الغدير پرداخته و گفته است:

علامه امینی از زلال محبت امام علی و پیروانش آنچنان سیراب گشته است که برای نزدیکی به پیشگاه خاندان بزرگ علوی از هیچ کوششی فروگذار نکرد و با جدیت تمام به

ندای کیش و مذهب خود به وجهی نیکو پاسخ داد. آری، آیین مهر و وفا و دوستی چنین است. از خدا می‌خواهم که الغدير، این آنگير صاف و زلال را وسیله صفا و یکدلی و برادری اسلامی میان سنی و شیعه قرار دهد تا در سایه سار آن به وحدت کلمه رسند و در قالب بنيانی استوار شکل گیرند و از حیاتی آزاد و شرافتمندانه برخوردار شوند که اسلام بدان نیرو گیرد و به جایگاه رفیع خود در جهان برآید.^۱

او را نیز چکامه‌ای^۲ در وصف علامه امینی و دفاع جانانه‌اش از عترت رسول خداست که با شجاعتی کم‌نظیر پای به میدان نهاد و دست به قلم برد و با حجت و برهان و منطق و استدلال به کشف حقیقت پرداخت و دلها را به نور ولایت روشن ساخت.

۲- شیخ محمد سعید دحدوح، روحانی ادیب و نویسنده توانا و امام جمعه و جماعت حلب در توصیف الغدير چنین گوید:

کتاب الغدير اموری را پابرجا و استوار ساخت و به رفع اوهامی پرداخت و حقایقی را ثابت کرد که ما از آنها آگاه نبودیم. همچنین بر نکوهشها و سخنان ناروایی که قرن‌ها دامنگیر غدير شده بود، آنچنان خط بطلان کشید که دریافتیم باید با تفکر و تحقیق از چگونگی پیدایش این واقعه تاریخی پرده برداشت و از اصل ماجرا نیک واقف شد. آری، درک و فهم این مطلب برای هر طالب حقیقت‌ضروری است، اما نه برای دامن زدن به اختلافات یا بر ملا ساختن کینه‌های دیرینه، بلکه برای اینکه همگان حق را دریابند و شیعیان علی مرتضی را بشناسند و بدانند که این دوستی و مهرورزی به خاندان پیامبر را سبب چیست و سرچشمه این عواطف و احساسات کجاست؟ همچنین پی به عواملی برند که موجب افتراها و تهمت‌های ناروا به شیعه گردیده است. به هر حال، انسان حقیقت‌جو باید نیک بیندیشد و احساسات را کنار بگذارد و از خطاهای گذشته عبرت گیرد.^۳

۱. الغدير: ۱/ح، ک. [تاریخ نگارش: ۱۳۷۲/۵ / ۱۹۵۲م]

۲. رک: الغدير: ۸/ح - ط.

۳. الغدير: ۲/ج - د. [تاریخ نگارش: ۱۳۷۲/۵ / ۱۹۵۲م]

همو را نامه دیگری است که در آن حقایقی را بدین شرح بازگو می‌کند:

هنگامی که الغدیر را مطالعه کردم و طعم خوش آن را چشیدم، احساس کردم که این همان نخستین آبگیر زلال شفاف‌تر از باران و خوشبوتر از مشک و خوشگوارتر از شراب بهشتی است. اکنون که برخی از فصول و ابواب و اجزای این کتاب را از نظر گذرانده‌ام، خود را در برابر دریای بیکران سرشار از گهزهای نفیس و خیره‌کننده می‌بینم. آری، در این مجموعه گرانبها آنقدر دلایل کافی و رسا، برهان آشکار، دانش بسیار و دیگر مزایا وجود دارد که از حدّ و حصر بیرون است و در مثل به چشمه خورشید ماند که به گِلِ خدعه و نیرنگ آن را نتوان نهفت.^۱

۳- استاد عادل غضبان، نویسنده سرشناس مصری در مجله الکتاب چنین می‌گوید:

مؤلف دانشمند کتاب الغدیر، به بحث در واقعه غدیر خم از منظر قرآن و سنت و ادب عربی پرداخته و به شرح احوال و آثار غدیر که سربایان در سده‌های مختلف اهتمام ورزیده و کتاب خود را از بحثهای دامنه‌داری درباره بسیاری از مسایل مربوط به شریعت و تاریخ آکنده است که دیدگاه شیعه را روشن و آشکار می‌سازد، دیدگاهی که شناخت صحیح آن بر اهل سنت و جماعت لازم است. برای حصول این مقصود باید به منابع اصیل و معتبر مراجعه کرد، چه در پرتو شناخت صحیح دیدگاههای گوناگون می‌توان شکاف میان مسلمانان را از میان برداشت و راه توانمندی ملل اسلامی را هموار ساخت و وحدت صفوفشان را به ارمغان آورد.^۲

۴- علامه بزرگوار، شیخ میرزا محمد اردوبادی در مقاله‌ای حساس و جامع با عنوان «بین الحقایق و الاوهام» به وصف الغدیر پرداخته و ضمن آن گفته است:

هر کس که نخستین بار نام کتاب الغدیر را بشنود، گمان خواهد کرد که این اثر تنها به موضوع غدیر خم اختصاص دارد، لیکن با خوض و غور در مطالب جامع و متنوع آن درخواهد یافت که در آن پیرامون بسیاری از دلایل و براهین امامت بحث و بررسی به

۱. الغدیر: ۸/ی، یا، [تاریخ نگارش: ۱۳۷۰/ ۱۹۵۰م]

۲. الغدیر: ۳/و. [تاریخ نگارش: ۱۳۷۱/ ۱۹۵۲م]

عمل آمده و با بیانی منطقی و مستدل به رفع اشکالات و ابهاماتی پرداخته شده است که چونان خار و خاشاک فرا راه رهروان طریق حق قرار داشت. علامه امینی با قلم توانای خود بر سخنان ناروا و نیات پلید و غرض‌ورزیهای تفرقه‌افکنان خط بطلان کشید و با روش علمی مستند به طرد و ردّ آراء ننگین دشمنان شیعه پرداخت و آنچنان آنان را از تهمتها و افتراهای بی‌اساس مبرا کرد که دیگر مجالی برای منفعت‌طلبان ماجراجو و ژاژخایان خرافه‌پرست در دامن زدن به آتش اختلاف و ایجاد شکاف میان ملل اسلامی باقی نماند. افزون بر این، با طرح مباحث عمیق فقهی، کلامی، تفسیری، حدیثی و تاریخی در الغدير بسیاری از مسایل شبهه‌ناک حلّ و فصل شده و حقایق رهگشای سعادت‌آفرینی تبیین گردیده است.^۱

۵. دکتر محمد غلاب، فیلسوف نامور مصری و استاد فلسفه در دانشکده اصول دین دانشگاه الازهر در نامه‌ای به عنوان «بريد البیان» کتاب الغدير را ارج نهاده و گفته است: ما یقین داریم که جوانان امروز جهان اسلام از ثمرات خوشگوار کتاب نفیس الغدير بهره خواهند برد، بویژه که بیشتر آثار مکتوب این روزگار، اندک مایه و سبک وزن و بی‌بهاست و هرگونه جنبش علمی و ادبی جنبه تجاری و مادی به خود گرفته است. کتاب حضرت شما در وقت مناسبی به دستم رسید، زیرا من هم اکنون سرگرم بحث و تحقیق و تألیف در پاره‌ای از موضوعات و مسایل هستم. از این رو، بسیار مایلم که مدارک علمی مستند و مبانی اعتقادی صحیح شیعه اثناعشری را در اختیار داشته باشم تا در بررسی عقاید این فرقه بزرگ همانند برخی از محققان سرشناس و دیگر نویسندگان تازه‌کار تندرو دچار خطا و لغزش نشوم.^۲

۶. دکتر عبدالرحمن کیالی حلبی، شخصیت ممتاز و قهرمان سیاست از خاندان معروف رفاعی در حلب، مقاله‌ای متین در تبیین ارزشهای الغدير و مقام والای ولایت، امام علی (علیه السلام) به رشته تحریر درآورده که فرازهای ذیل از آن جمله است:
خوشبختانه می‌بینم کتاب شما الغدير که به عالم اسلام هدیه کرده‌اید، می‌تواند فایده

بحث و بررسی و تحقیق را به روش علمی که والاترین وظیفه مردان دین و دانش و مصلحان اجتماعی است، به ما نشان دهد و پرده از روی یک حقیقت تاریخی در خصوص خلافت اسلامی بردارد که مورخان راه انصاف را درباره آن پیش نگرفته‌اند تا به اجماع و اتفاق آن را روایت کنند، بلکه بعضی آن را اثبات و برخی نفی کرده‌اند و از کسانی هم که آن را روایت نموده‌اند، برخی روایت را کامل و بعضی ناقص آورده‌اند. در این میان، گروهی به تحریف آن پرداخته و گروه دیگر از اهتمام بدان سرباز زده‌اند و در مجموع، غافلان یا جاهلانه و یا مغرضانه از کنار آن گذشته‌اند.

آری، در اثر این سهل‌انگاری و غرض‌ورزی، جهان اسلام از درک حقیقت دور ماند، همان حقیقت تاریخی که اگر صحابه در صدر اول بدان عمل می‌کردند و سفارش رسول امین و بزرگ بنیانگذار اسلام را در کمال امانت و صداقت به کرسی می‌نشاندند، این نابسامانی اتفاق نمی‌افتاد و مسلمانان به این بلای خانمانسوز پراکندگی و از هم‌گیسختگی دچار نمی‌شدند، بلکه وحدت اسلامی و اتحاد مسلمانان برای همیشه برقرار می‌گشت و از تعصبات قومی و تمایلات شخصی برکنار می‌ماند و در نتیجه، خلافت پیروزمندانه پا می‌گرفت و در مسیر قدرت و وحدت پیش می‌رفت و پرچم رشد و هدایت بر فراز آن به اهتزاز درمی‌آمد، چنانکه پیامبر اکرم خط مشی آن را ترسیم فرمود.

به هر حال، کتاب الفدیر که بر مباحثی علمی در باب سنت و ادب و تاریخ و اخلاق اشتمال دارد و با تتبع و بررسی اقوال مختلف به کشف حقایق می‌پردازد، در خور آن است که هر مسلمانی بدقت آن را مطالعه کند و از دانش سرشار آن کامیاب شود و بداند که تاریخ‌نگاران صدر اسلام تا چه اندازه سستی و کوتاهی ورزیده‌اند و حقیقت کدام است؟^{۱۹}

۷- استاد توفیق فکیکی بغدادی، محقق بزرگ و نویسنده توانا و وکیل دعاوی در ستایش الفدیر و تجلیل از مقام شامخ مؤلف آن گوید:

سخن برگزاف نراندهام اگر بگويم که کتاب القدير از حيث علم و هنر و تاريخ و تراجم و فرهنگ بی نظير و نایاب است. این اثر بدیع نه تنها به بوستانی روح افزا و طرب انگیز می ماند که نوادر ادبی و تحفه های گلفام آن دلرباست، بلکه باید گفت: دایرة المعارف بزرگ و جامعی است که محکم ترین آراء دینی و علمی را ارائه می دهد و می تواند راهنمای گمشدگان وادی جهالت و آرام بخش سرگشتگان بادیة حیرت باشد. در حقیقت، این اثر نفیس جاودان در آن حد از اعتبار است که انجمن های علمی عصر حاضر هم از ارائه آن عاجز و ناتوانند. بنابراین، ابراز چنین قدرت و توان علمی، برترین افتخار جاودانی است که در عرصه علم و دانش، نصیب علامه محقق، شیخ عبدالحسین احمد امینی نجفی گشته است، کسی که بزرگ ترین خدمت را به فرهنگ اسلامی تقدیم داشت و اعجاب و تحسین و تقدیر همگان را نسبت به خود برانگیخت.^۱

۸- آیت الله سید میرزا عبدالهادی حسینی شیرازی در وصف القدير چنین گوید:

کتاب ارزشمند القدير نوشته رهبر دینی بی نظیر و مصلح کبیر و معلّم بزرگوار اخلاق، حجّت الاسلام امینی نجفی، دایرة المعارفی است پربار و سرشار از علم و ادب و حقایق ناب که از احاطه علمی و ژرف اندیشی و تلاش بی وقفه آن جناب حکایت دارد. چنین کتابی جامع و متنوع نیازمند انجمنی از استادان علوم دینی است که با همکاری یکدیگر به تألیف آن اهتمام ورزند. بی گمان هرکس بدین دایرة المعارف گرانقدر دست یابد، خود را در ساحل دریایی بیکران و خروشان از علوم و فنون خواهد یافت و از معارف الهی و تعالیم قدسی مرواریدگون آن بهره مند خواهد شد. این کتاب حاوی دروسی عالی، مباحثی در نقد و بررسی قضایای تاریخی و تفکیک سره از ناسره در فقه و تفسیر و حدیث و رجال است که راه ورود به مدینه علم و عمل را هموار می سازد.^۲

۹- علامه سید عبدالحسین شرف الدین عاملی، آن مصلح بزرگ در ستایش القدير خطاب به علامه امینی چنین گوید:

می دانم ترا بر من حقّی است که از مرز بزرگداشت القدير می گذرد و چنانچه بخواهم

به وصف این دایرةالمعارف کمیاب بی مانندت بپردازم و آن را حاصل کوشش فرهنگی بی نظیری در شمار آرم، جز اندکی از آن حق را ادا نکرده‌ام.

سخن در این باره کمترین واکنشی است که می‌توان در برابر تلاشهای خستگی‌ناپذیر تو از خود نشان داد و ناچیزترین افزاری است که به یاری آن می‌شود کاوشها و بررسی‌های دقیق و موشکافانه ترا سنجید، ولی در نگارش این دایرةالمعارف سرشار از دانش، آنچه ترا به حق خویش می‌رساند، تقدیر و بزرگداشتی است که امت اسلامی را آگاه سازد که تو از معدود قهرمانان کم‌نظیر آن هستی.

کتاب *التقدیر* تو در ترازوی نقد و حکم ادب بی‌چون و چرا کاری سترگ و پردامنه است که اگر گروهی از دانشمندان نیز در پدید آوردن آن با یکدیگر همداستان می‌شدند و در استوار ساختن آن به یاری هم می‌شتافتند و بازده کارشان به همین خوبی درمی‌آمد، براستی باز هم آنان کاری بزرگ را به پایان برده بودند.

برای تمدن شرق، بلکه برای تمدن انسانی هیچ چیز هراس‌انگیزتر از آن نیست که چنین آثاری از تداوم بازماند و چنین فعالیت‌های پویای علمی با وقفه روبرو شود. در اینجا باید بگویم که والاترین چشم‌انداز در کار پر تلاش و ارزنده‌ات تنها شیفتگی تو بدان است، همان شیفتگی که با همه گرفتاری‌ها و دشواری‌ها ترا به پیشروی واداشت و این خوی و روش در چنین کاری سترگ، شیوة قهرمانان ما از خدمتگزاران خاندان پیامبر را به یاد می‌آورد که به پا خاستند تا علوم و آثار بر جای مانده از ایشان را در همه جا بپراکنند.

از دیدگاه هنری نیز تو مانند هنرمندی به کار برخاسته‌ای و در آفرینش این اثر بدیع و متین و شیوا با چیره‌دستی تمام قلم‌فرسایی کرده‌ای و در به ثمر رسانیدن آن از ژرف‌اندیشی، بلندنظری، احاطة علمی، ذوق سلیم، نقد سخن و قوت نطق برخوردار بوده‌ای.^۱

۱۰- آیت‌الله سید محسن طباطبائی حکیم در وصف *التقدیر* و گرامیداشت نویسنده

۱. *التقدیر*: ۷/هـ، و. [تاریخ نگارش: ۱۳۶۸هـ]

آن گوید:

براستی از برجسته‌ترین مجاهدان نستوه که به بیان حقایق دین مبین پرداختند، محقق یگانه، دانشمند بی‌بدیل و مؤلف کتاب الغدير، امینی است که نامش همواره بلند باد. من بخشهای گوناگون این کتاب را بدقت مطالعه کردم و آن را در خور شأن و مقام علمی نگارنده بزرگوار آن یافتم و دیدم که نه تنها از هر کاستی و ناراستی به دور و مبرا است، بلکه از برهانی قوی، اسلوبی زیبا، نقدی متین و بیانی لطیف برخوردار است. افزون بر این، وی متانت رأی را با شیوایی کلام درآمیخته و معانی بکر و بدیع را بر اساس اندیشه‌ای ژرف رقم زده است و در موضوعات گوناگون نیز با تبخّری خاص به بحث پرداخته است و هر مبحث را با استواری آغاز کرده و با پایداری به پایان برده است.

پس هر مسلمان فرهنگ دوست که در جستجوی حقیقت است، باید این کتاب را بخواند و از فروغش پرتو بگیرد.^۱

۱۱- شیخ حیدرقلی، مشهور به سردار کابلی که از بزرگان علم و معرفت است، با بیانی لطیف و دلپذیر درباره الغدير گوید:

کتاب الغدير هديه‌ای است غالیه‌بار که دل را زنده می‌کند و روح را شفا می‌بخشد. دریایی است خروشان و آکنده از دُر و مروارید غلطان. گنجینه‌ای است پر از جواهر حقایق ناب و لثالی اسرار نایاب. تابنده خورشیدی است که از افق پهناور نجف اشرف برآمده و دنیا را به نور فرح‌بخش خود روشن ساخته و پرده‌های ظلمت را پاک دریده است. باغی است از باغهای بهشت که چشم‌نواز و دلپذیر است و نغمه‌های طرب‌انگیز پرندگان خوش‌الحن بر شاخه‌هایش، دل‌های پاک و روان‌های تعالی‌جو را به مقامات صفا و منازل انس می‌کشاند. آری، این باغ خرّم و شاداب معارف یزدانی و علوم ربّانی را دست توانای ولایت و خلافت الهی برنشانده است.^۲

۱۲- استاد علاءالدین خرّوفه، دانشمند سرشناس مصری در اهمیّت الغدير و مدح و ثنای مصنّف عالی‌قدر آن چنین گوید:

من گمان نمی‌کردم که در این عصر که مادیگری رواج دارد و شتابزدگی در تألیف و سطحی‌نگری در بحث و تحقیق از ویژگیهای بارز آن به شمار می‌رود، مردی که خود به تنهایی یک امت است، به پا خیزد و کتاب بزرگ و نفیس *الفدیر* را فراهم آورد که حتی از حیطة قدرت گروهی از شخصیت‌های علمی بیرون باشد.

براستی در قبال مساعی بسیاری که در تدوین این کتاب بی‌ظنیر مبذول داشته‌اید و در هر موضوع به بحث و تحقیق علمی دقیق پرداخته‌اید، سخت در شگفت مانده‌ام. من با علاقه‌ای شدید و شوقی وصف‌ناپذیر در پی آن بودم که از فقه و اصول مذهب شیعه آگاهی یابم، تا اینکه کتاب *الفدیر* را مطالعه کردم. مطالعه این کتاب مرا در شناخت حقایق مددکار آمد و توانستم با چنین دست‌مایه‌ای به نگارش مقالاتی در هواداری از شیعه بپردازم و به مجله *الازهر* بتازم. همین مقالات را در مجله *السعد* که در قاهره انتشار می‌یابد و نیز در بزرگ‌ترین جریده مصری به نام *الاهرام* منتشر ساختم و با پیامدهای ناگواری روبرو گشتم که گریبانگیر آن کس شود که بر طریق انصاف رود و به دفاع از حق برخیزد و در راه وحدت مسلمانان تلاش کند.^۱

آنچه از نظر گذشت، گزینه‌هایی است از تقاریظ دوازده تن از علمای برجسته فریقین که در بیان ارزش و اعتبار کتاب شریف *الفدیر* قلم فرسایی کرده‌اند. اینک در ادامه بحث، تنها به ذکر نام و مشخصات دیگر دانشمندان تقریظ‌نویس بر *الفدیر* بسنده می‌کنیم تا روشن شود که این کتاب تا چه حد مورد توجه بوده است.

۱۳- استاد صفاء خلوصی، لندن (سه‌نامه). ← *الفدیر*: ۵/ و.

۱۴- استاد محمدعلی نقی حیدری، از علمای بغداد، کاظمیه، ۱۳۶۷هـ. ← *الفدیر*:

۵/ ز- ح.

۱۵- شیخ محمد سعید عرفی، عضو فرهنگستان سوریه و مفتی استان دیرالزور،

۱۳۷۳هـ. ← *الفدیر*: ۶/ ج- د.

۱۶- استاد عبدالفتاح عبدالمقصود مصری، نویسنده کتاب *ارزشمند الامام علی*،

- اسکندریه، ۱۳۶۷ هـ (دو نامه). ← الغدير: ۶/هـ - ج.
- ۱۷- استاد بولس سلامه، سخندان و اديب زبردست مسيحي، بيروت، ۱۹۴۸ م (و)
- ۱۳۶۸ هـ (دو نامه). ← الغدير: ۶/ط - ی (و) ۷/ح.
- ۱۸- آيت الله شيخ محمدرضا آل ياسين، رهبر بزرگ دينی که پس از نگارش تقريری بر الغدير دار فانی را وداع گفت. ← الغدير: ۸/ب - ج.
- ۱۹- استاد محمد صدر، بزرگمرد دين و سياست، عراق، ۱۳۶۹ هـ / ۱۹۵۰ م. ← الغدير: ۸/د - هـ.
- ۲۰- استاد عبدالمهدی منتفکی، از بزرگان علم و ادب و سياست، عراق، ۱۳۶۹ هـ / ۱۹۵۰ م. ← الغدير: ۸/و.
- ۲۱- آيت الله سيد حسين موسوی حنّامی، ۱۳۷۰ هـ. ← الغدير: ۹/ب - ج.
- ۲۲- علامه سيد حسين موسوی هندی، نویسنده کتاب الاسلام مبدأ و عقیده، خرنابات، ۱۳۷۱ هـ. ← الغدير: ۹/د - هـ.
- ۲۳- استاد محمد نجيب زهرالدين عاملی، خطيب زبردست و مدرس علوم دينی در دانشکده عاملیه، بيروت، ۱۳۷۰ هـ (دو نامه). ← الغدير: ۹/ح - ط.
- ۲۴- استاد سلمان عباس دّواح زيبيدي، نویسنده توانا، ناحیه کميت، ۱۳۷۰ هـ / ۱۹۵۱ م. ← الغدير: ۹/ی.
- ۲۵- آيت الله علامه سيد صدرالدين صدر، از مفاخر بزرگ اسلام، قم، ۱۳۷۲ هـ. ← الغدير: ۱۰/ب - ج.
- ۲۶- علامه شيخ مرتضی آل ياسين، برادر بزرگوار دو عالم نامدار، شيخ محمدرضا آل ياسين و شيخ راضی آل ياسين، ۱۳۷۱ هـ. ← الغدير: ۱۰/د - هـ.
- ۲۷- علامه سيد محمد بن مهدي حسيني شیرازی، از بزرگان دين و دانش، کربلا، ۱۳۷۳ هـ. ← الغدير: ۱۰/و - ز.
- ۲۸- علامه سيد علی فانی اصفهانی، از استادان برجسته نجف اشرف، ۱۳۷۵ هـ. ← الغدير: ۱۱/ب - ج.

۲۹- علامه سید محمد علی قاضی طباطبائی، یگانه مرد میدان علم و ادب و فضل و کمال، ۱۳۷۵ هـ. ← الغدیر: ۱۱/د-هـ.

۳۰- شیخ محمد تبسیر مخزومی، خطیب دانشمند و امام جماعت مسجد سیدتنا رقیة، دمشق، ۱۳۷۵ هـ. ← الغدیر: ۱۱/ح-ط.

۳۱- استاد یوسف اسعد داغر، محقق و نویسنده سرشناس مسیحی، بیروت. ← الغدیر: ۱۱/ی-یا.

علاوه بر این، دانشمندانی دیگر نیز نامه‌هایی تقدیرآمیز نوشته‌اند و در آنها از القدیرو علامه امینی به نیکی و بزرگی یاد کرده‌اند که به جهت کثرت تقریظ‌ها از درج متن آنها صرف‌نظر گشته و تنها به ذکر نام نویسندگان در آغاز مجلد هفتم و دهم بسنده شده است و ما به پیروی از روش مؤلف بزرگوار به یادکرد اسامی آنان در اینجا می‌پردازیم.

۳۲- آیت الله سید محمد کوه کمری، قم.

۳۳- علامه سید جعفر آل بحر العلوم، نجف اشرف.

۳۴- علامه سید حسن لواسانی، سوریه - غازیه.

۳۵- استاد علی فکری، محقق بزرگ و نویسنده آثار ارزنده، مصر - قاهره.

۳۶- علامه سید محمد سعید حکیم، بصره.

۳۷- استاد سید سبط الحسن، پژوهنده توانا و صاحب تألیفات سودمند، هند - محمودآباد.

۳۸- علامه سید علی اکبر برقی، مؤلف کتابهای نفیس، قم.

۳۹- خطیب سید صالح سید عباس موسوی، بغداد - صباغیخ الال.

۴۰- خطیب سید عبود حسینی، بصره.

۴۱- دکتر مصطفی جواد بغدادی، بغداد.

۴۲- علامه شیخ حسن ناصری، نجف اشرف.

۴۳- خطیب شیخ کاظم آل نوح، نویسنده کتاب محمد والقرآن، کاظمیه.

۴۴- خطیب شیخ محمد تقی فلسفی، تهران.

- ۴۵- شیخ سلیمان ظاهر، محقق بزرگ و عضو فرهنگستان، عامله - نبطیه.
- ۴۶- استاد سید شمس الدین خطیب بغدادی، بغداد.
- ۴۷- استاد سید عبدالزهراء سید حسین خضری، عراق - خضر.
- ۴۸- علامه میرزا محمد علی چرندابى تبریزی، قم.
- ۴۹- استاد عبدالحمزه نصرالله فتحی، عراق - دیوانیه.^۱
- ۵۰- آیت الله شیخ آقا بزرگ تهرانی، صاحب کتاب ارزشمند الذریعة الى تصانیف الشیعة، نجف اشرف.
- ۵۱- استاد سید نورالدین موسوی جزایری، عالم با فضیلت و تقوا، کربلا.
- ۵۲- استاد سید جلال الدین موسوی طاهری، دانشمند سخندان، قم.
- ۵۳- شیخ موسی بن هادی مرندی غروی، فرزانه پرهیزگار و ادیب نامدار، نجف اشرف.^۲

تقدیر نامه های سخنوران

جز بزرگانی که بر الغدير تقریظ نوشته اند، شاعرانی خوش قریحه نیز چکامه هایی دل انگیز و آبدار در وصف الغدير سروده اند و احساسات پاک خود را در تجلیل از مقام شامخ علامه امینی ابراز داشته اند که از باب نمونه به ترجمه ایاتی از چند شاعر اهتمام می ورزیم و برای آشنایی با میزان استقبال اهل ذوق از این اثر ماندگار، به یادکرد اسامی دیگر شاعران در اینجا بسنده می کنیم.

۵۴- شیخ محمد علی یعقوبی نجفی، خطیب شهیر و صاحب کتاب البالیات را قطعه شیوایی است بدین مضمون:

- آنچه احمد مختار به روز غدیر در حق علی فرمود، گفتار کردگار در قرآن کریم بود.
- متن آن را جبریل امین آورد و امینی با قلمی توانا شرح و تفسیرش کرد.^۳

۲. الغدير: ۱۰/ح.

۱. الغدير: ۷/ج - د.

۳. الغدير: ۵/۴۵۷.

- ۵۵- حاج محمد شیخ بندر، شاعر برجسته عفک را قطعه‌ای است که در آن گوید:
 - ای امینی، با نامور کتاب الغدیرت به آرزوی خویش رسیدی.
 - کتابی که چون آفتاب نیمروز پرتو افکن آمد و چه کسی آفتاب زرتار را انکار تواند کرد؟
 - منکر نصّ غدیر را عذری نباشد، چرا که تاریخ‌نگاران همگی بر آن صحّه نهاده‌اند.^۱
 او را نیز منظومه^۲ دیگری است در سیزده بیت که در آن از عزم راسخ علامه امینی در تدوین الغدیر، تتبع عالمانه وی در بازشناساندن سره از ناسره، تلاش پیگیرش در احیای حق و ابطال باطل و زبان و قلم نافذ هدایتگرش سخن رفته است.
 ۵۶- استاد عبدالصاحب دجیلی، صاحب کتاب شعراء العراق^۳ را قطعه مختصر و مفیدی است در ثنای علامه امینی و الغدیر ماندگارش، آنجا که گوید:
 - ای دانشی مرد نامی که ژرف‌اندیش و بی نظیری، ترا تحیت باد.
 - چرا که در دریای معانی شناور آمدی و گهرهای گرانها فراچنگ آوردی.
 - چون در کمال صدق و امانت سخن گفتی، علامه امینی نام گرفتی.
 - کتاب الغدیر تو اقیانوسی سرشار از علوم و فنون است.
 - واقعه درخشان غدیر خم چونان آفتابی روشنگر دین و دنیا است.
 - بر آن بس روز و ماه و سال بگذرد و در طین قرن‌ها پیوسته جاودان و برقرار بماند.^۴
 ۵۷- علامه سید محمد هاشمی را غدیرته‌ای هفتاد و نه بیتی است که در مجله البیان، سال چهارم، شماره ۸۰ نجف (محرم ۱۳۷۰) درج گردیده است و سراینده در چهار بیت پایانی آن به ستایش الغدیر و علامه امینی پرداخته و چنین گفته است:
 - الغدیر کتابی است ماندگار و از قداست برخوردار.
 - کتابی نغز و پرمغز که با ظرافت تمام به قلم توانای ناقدی بصیر و چیره‌دست نگارش یافت.
 - ناقدی که حقایق نهفته را آشکار ساخت و به رفع نقایص و عیوب پرداخت و اثرش در

۲. رک: الغدیر: ۳۸۹/۸ - ۳۹۰.

۴. الغدیر: ۴۱۲/۷.

۱. الغدیر: ۴۵۸/۵.

۳. الغدیر: ۴۱۰/۷.

گیر و دار نیرنگ بازی‌ها و فتنه‌انگیزی‌ها خردپسند آمد و مقبول طبع اهل نظر افتاد.

— بنابراین، کسی را شایسته‌تر از امینی نتوان یافت که به نشان جاودانگی مفتخر آید.^۱

۵۸- استاد یحیی صالح حلّی، شاعر زبردست مبتکر را چکامه‌ای است در وصف الغدیر که در آغاز آن خطاب به علامه امینی گوید:

— تو با این اثر بزرگ و ارزنده، چراغ هدایت را فرا راه سرگشتگان برافروختی.

— و دروغهای منکران را برملا ساختی. در نتیجه، راز پنهانی برای ما آشکار گشت.^۲

در اینجا برای اجتناب از اطاله کلام به همین چند نمونه شعر تقدیرآمیز در وصف الغدیر و نویسنده بزرگوار آن اکتفا می‌کنیم و بحث را با یادکرد اجمالی دیگر کسانی که به سرودن تقریظ‌های منظوم اهتمام ورزیده‌اند، پی می‌گیریم.

۵۹- علامه شیخ محمد سماوی، شاعر خوش قریحه و صاحب تألیفات سودمند، ۱۳۶۵ هـ. وی علاوه بر شعر، مقاله‌ای نیز پیرامون کتاب الغدیر به رشته تحریر درآورده است.

۶۰- شیخ حسن مبنی نجفی، نویسنده کتاب الکلم الطیب.^۳

۶۱- شیخ محمدرضا خالصی کاظمی، شاعر برجسته اهل بیت که دو قصیده و سه قطعه در ستایش از الغدیر سروده است. وی به سال ۱۳۷۰ هـ درگذشته و در گورستان وادی السلام نجف اشرف به خاک سپرده شده است.^۴

۶۲- علامه شیخ قاسم محبی الدین.

۶۳- میرزا محمد خلیلی، فرزانه ادیب و مؤلف کتاب معجم ادباء الاطباء.

۶۴- خطیب هاشمی سید علی، نویسنده کتاب محمد بن الحنفیه.

۶۵- شیخ علی سماوی، فاضل فرهیخته.

۶۶- خطیب شیخ محسن ابی الحبّ حائری.

۱. الغدیر: ۳۸۷/۸. ۲. الغدیر: ۳۹۸/۹.

۳. الغدیر: ۴۵۷/۵.

۴. الغدیر: ۴۵۸/۵ - ۴۵۹ و ۴۱۱/۷ - ۴۱۲ و ۳۸۸/۸ - ۳۸۹.

- ۶۷- استاد شیخ اسد حیدر نجفی.^۱
- ۶۸- سید رؤف آل جمال الدین، شاعر خوش ذوق علوی نسب را چکامه‌ای است با عنوان «بنت الحقیقة فی کتاب الغدیر».^۲
- ۶۹- استاد محمد عبدالغنی حسن، پژوهنده و شاعر مصری و نویسنده آثار سودمند.^۳
- ۷۰- شیخ کاظم آل علی، خطیب عفک.
- ۷۱- استاد سید شمس‌الدین خطیب موسوی بغدادی.
- ۷۲- حاج شیخ محمد باقر هجری، نجف اشرف.
- ۷۳- شیخ محمد آل حیدر نجفی، ادیب مبتکر را چکامه‌ای است که بخشی از آن بالغ بر شصت و هفت بیت در مجموعه‌ای مشتمل بر هشتاد و چهار صفحه به نام الغدیر فی جامعة النجف از سوی انجمنی از ادبا و شعراء موسوم به «فرع الشعراء الحسینیین» چاپ و منتشر شده است.^۴
- ۷۴- سید نعمت سید حسون بجاج، شاعر بزرگوار را سه قطعه تقدیرآمیز در وصف الغدیر است و در آنها با تعبیری چون دریای گوهر، مهر فروزان، چشمه سارگوار، کتاب هدایت و داروی شفابخش از این اثر گرانبقدر ماندگار یاد می‌کند.
- ۷۵- سید یحیی سید داود شرع، شاعر فاضل علوی نسب را منظومه‌ای تقدیرآمیز در ستایش از الغدیر است که با ارجوزه‌ای بالغ بر چهل بیت پایان می‌پذیرد.
- ۷۶- شیخ کاظم آل حسن جنابی، شاعر و خطیب عفک پس از نگارش تقدیرنامه‌ای کوتاه، شعری در وصف الغدیر سروده و آن را با فروتنی به ساحت مقدس علامه امینی هدیه کرده است.^۵
- علاوه بر این بزرگان نیز تنی چند از دانشمندان سرشناس و شاعران شهیر معاصر ایران در تجلیل و تبجیل از الغدیر و مقام شامخ مؤلف ارجمند آن قلم فرسایی و

۲. الغدیر: ۴۱۰/۷ - ۴۱۱.

۴. الغدیر: ۳۸۷/۸ - ۳۹۲.

۱. الغدیر: ۴۱۰/۷.

۳. الغدیر: ۸/ح - ط.

۵. الغدیر: ۳۹۷/۹ - ۳۹۹.

طبع آزمایی کرده‌اند که به عنوان نمونه می‌توان از استادان بزرگوار دکتر علی اکبر فیاض،
 علامه مرتضی مطهری، محمدرضا حکیمی، کریم امیری فیروزکوهی، محمدحسین
 شهریار و مهدی اخوان ثالث یاد کرد.

www.ketab.ir